

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۱۰ اپریل ۲۰۲۲



یونس نگاه

سکیولاریزم مانع عبادت نه، مانع تجارت دین فروشان می شود

د سیکولاریزم په اړه راته
ووایاست
زموږ یو استاد دی راته
وايي څوک چې
سیکولاریزم پلویتوب
وکړي مطلق کافر سو او د
اسلام له دایرې ووت.
ایا رښتیا هم همداسې ده
ایا مور دین رښتیا هم له
سیاست نه نشو جدا
کولای؟

ښه سوال دی. چون زما پښتو
تایپنگ تیز ندی که ستاسی
اجازه وی په فارسی ځواب
درکم.

یک دوست در مسنجر نظر مرا درمورد سکیولاریزم پرسیده بود. او در پیامی که عکس‌اش را می‌بینید بعد از سلام و علیک نوشته بود "استاد ما می‌گوید کسی که از سکیولاریزم پیروی کند مطلق کافر شده از دایره اسلام بیرون می‌گردد. آیا برآستی چنین است و ما نمی‌توانیم دین را از سیاست جدا کنیم؟"

چون امروز پستی در ارتباط به سکیولاریزم نوشتم، می‌خواهم جوابی را که به آن هموطن با زبان ساده و قصه‌وار نوشتم، این‌جا با کمی اصلاح با شما شریک سازم، تا بدانید درک من از سکیولاریزم چیست و چرا آن را برای افغانستان عزیز لازم می‌دانم.

سکیولاریزم معادل بی‌دینی نیست اما واکنش به سوء استفاده سیاستمداران از دین است. در سکیولاریزم کسی از پرستش خداوند، داشتن دین و اجرای عبادت منع نمی‌شود بلکه آزادی مردم

در عبادت رسمیت می‌یابد. مثلاً در کشورهای اروپایی مسلمانان مسجد می‌سازند، مراکز آموزش مذهبی می‌سازند. دولت نه‌تنها مانع نمی‌شود بلکه مسلمانان را در کارهای فرهنگی و صلح آمیز مذهبی‌شان کمک می‌کند. در ترکیه حکومت سکیولار است، اما رئیس‌جمهورش یک آدم مذهبی می‌باشد.

سکیولاریزم تنها به مسأله دین محدود نمی‌ماند بلکه بخشی از یک زنجیره کامل است که سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع را متحول می‌سازد. آزادی فردی ستون فقرات سکیولاریزم است و در واقع بدون آزادی فردی سکیولاریزم

معنی ندارد. در جامعه سکولار یک مولوی می‌تواند رئیس جمهور شود اما حق ندارد ریش کسی را به زور بلند یا کوتاه کند. او با آن‌که رئیس جمهور است اما صلاحیت ندارد کسی را مجبور کند یک نماز را دوبار بخواند، یا به نوع لباس و فرهنگ مردم دخالت نماید. در جامعه سکولار لنگی قندهاری بر پکول کنزی ترجیح داده نمی‌شود. هر دو را مردم می‌توانند آزادانه بپوشند. دولت و نظام حاکم حق ندارد در مورد هیچ کسی قضاوت پیش‌ازپیش کند یا صفت جمعی خوب و بد به یک کتله انسان‌ها قایل شود. مثلاً در جامعه طالبانی مردان برتر از زنان اعلام می‌شوند. آزادی مردان بیشتر از زنان خوانده می‌شود و طالبان می‌گویند زنان توانایی بر خورداری از حقوق مساوی با مردان را ندارند. اما در جامعه سکولار هر فرد به‌طور مستقل سنجیده می‌شود. حقوق قانونی افراد مساوی است. ولی ظرفیت هر شخص با توجه به دانش، وضعیت روحی، وضعیت بدنی و سنی اش سنجیده می‌شود. یک مرد تحصیل کرده و صحت‌مند شاید نسبت به یک زن تحصیل نکرده و مریض توانایی بیشتر داشته باشد. اما یک زن درس خوانده، هوشیار، صاحب هنر و صحت‌مند از یک مرد دیوانه ظرفیت بیشتر دارد.

اهمیت سکولاریزم این است که در چنین جامعه‌ای، آدم‌ها باید با عقل خود در مورد قواعد اجتماعی فکر کنند و تصمیم بگیرند نه بر اساس فرمان یک ملا یا نوشته یک کتاب که پیرمردی سال‌ها قبل در ایران یا پاکستان نوشته است. مهم‌ترین رکن سکولاریزم این است که مردم باید باهم مذاکره کنند و تصمیم جمعی بگیرند. فرمان خان و ملا و زورمند معیار نباشد بلکه هر قاعده در اجتماع باید بر اساس سنجش و با توافق اکثریت طرح و تطبیق گردد.

قانون در سکولاریزم قابل نقد، تغییرپذیر و اصلاح شدنی است. اما در جامعه غیرسکولار قانون خشک و دایمی تلقی می‌شود. در جامعه طالبانی تنها ملاها و زورمندان می‌توانند قانون را مطابق منفعت خود تغییر دهند. در جامعه غیرسکولار با مردم غریب مثل تبعه و حیوان برخورد می‌شود و حاکمان هیچ حق و آزادی برای بی‌زورها قایل نیستند. البته در شعار ممکن حکومت بگوید که نماینده بیچارگان است ولی در عمل مردم عادی را مثل گوسفند گله کرده به هرسوی که خواست ببرد.

سکولاریزم به فرد آزادی و در واقع قدرت می‌دهد. از آن جایی که ملاها و زورمندان قدرت و آزادی فردی را پایان سرداری خود می‌دانند، سکولاریزم را دوست ندارند. در جامعه سکولار کسی حاضر نیست دست کسی را ببوسد و امر کسی را بدون دلیل بپذیرد. به همین دلایل ملاها، خان‌ها، قومندانان و کسانی که آدم‌ها را گله می‌خواهند از سکولاریزم نفرت دارند.

سکولاریزم مانع عبادت نمی‌شود مانع تجارت ملاها می‌شود.

به خیر باشید.